

بررسی آیات فقهی در حلیت یا حرمت استعمال دخانیات در نگاه فریقین

مرتضی رحیمی^{*۱}

۱- دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۱ مهر ۹۷

دریافت مقاله: ۲۳ مرداد ۹۷

چکیده

پس از رواج دخانیات در بین مسلمانان، دانشمندان اسلامی درباره حکم آن سخن گفته اند، برخی از فقهای امامیه همچون حر عاملی، آیت الله مکارم شیرازی و... همچنین بسیاری از دانشمندان اهل سنت استعمال دخانیات را حرام دانسته اند. از این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده برمی آید که از جمله دلایل مورد استناد این گروه از دانشمندان آیاتی از قرآن است، که در منابع فقهی و بعضاً تفسیری مورد اشاره و بررسی قرار گرفته اند، بررسی مقایسه ای دیدگاه دانشمندان شیعه و اهل سنت درباره این آیات و چگونگی استناد به آنها نشان می دهد که در چگونگی حرمت استعمال دخانیات اختلاف است، زیرا برخی آن را گناه صغیره دانسته و برخی برای آن مجازاتی همچون مجازات شرب خمر در نظر گرفته اند، از همین رو در فسق استعمال کننده دخانیات و امکان امام جماعت قرار گرفتن وی اختلاف شده است. بررسی آیات قرآنی نشان می دهند که اطلاق آیاتی که بر نکوهش قتل نفس، نکوهش به هلاکت انداختن خود و دیگران، زشتی تلف کردن نعمت های خدا، زشتی اسراف، حرمت استفاده از چیزهای پلید و... دلالت دارند، می توانند برای حرمت استعمال دخانیات مورد استفاده قرار بگیرند.

کلمات کلیدی: دخانیات، آیات فقهی، حرمت، زیان، اسراف

۱- مقدمه

مسلمانان برای اولین بار در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم با دخانیات آشنا شدند، انگلیسی ها برای اولین بار آن را به سرزمین روم، یعنی سرزمین ترکان عثمانی وارد نمودند و یک یهودی که خودش را حکیم می دانست، دخانیات را وارد سرزمین مغرب نمود آن گاه

*نویسنده مسئول: مرتضی رحیمی، آدرس پست الکترونیکی: mrahimi2@gmail.com، شماره تماس: ۰۷۱۳۶۲۸۱۰۰۰

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2019.87953>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license](#)

حدیث آمده): «هنگام آماده بودن غذا یا به وقت غلبه ادرار و مدفوع بر انسان، نماز خواندن صحیح نیست» [۹]. با این حال ما این مطالب را می‌گوییم تا برای مردم تبیین کنیم که حرام دانستن استفاده از دخانیات یک مسأله اجماعی نیست بلکه در تحریم آن اختلاف شده است. [۱۰].

اما برخی از فقهای شیعه، همچون حر عاملی گفته‌اند که: «کشیدن سیگار نزد همه مسلمانان، چه آنان که سیگار می‌کشند و چه آنان که سیگار نمی‌کشند، کاری زشت و قبیح است، هر چه نزد همه مسلمانان زشت و قبیح باشد نزد خداوند هم قبیح است.» [۱۱]. همچنین در فقه اهل سنت آمده که علمای معاصر یا علمای اسلام بر حرمت استعمال دخانیات اجماع دارند و قول شاذ که از اباحه آن سخن گفته قابل اعتنا نیست [۶]. با این حال حرمت استعمال دخانیات و حرمت خمر و زنا را متفاوت می‌باشد، زیرا محرمات به دو نوع کبیره و صغیره تقسیم می‌شوند و استعمال دخانیات از نوع صغیره آن می‌باشد [۲]. برخی نیز در تفاوت حرمت خمر و استعمال دخانیات گفته‌اند که حرمت دخانیات به دلیل نص است اما حرمت استعمال دخانیات به دلیل قیاس می‌باشد [۱۲].

اختلاف درباره حرمت استعمال دخانیات و چگونگی آن باعث شده که در مواردی، همچون فسق و عدم فسق شخص سیگاری، جواز و عدم جواز امام جماعت شدن وی و... اختلاف پیش بیاید، زیرا برخی از دانشمندان اسلامی به فسق فرد سیگاری باور دارند. [۱۳]. بی تردید در فرض صغیره بودن استعمال دخانیات، اصرار بر استعمال، آن را به گناه کبیره تبدیل می‌کند، بر همین اساس برخی از فقهای امامیه گفته‌اند: فردی که آشکارا سیگار می‌کشد، اگر از کسی تقلید می‌کند که کشیدن سیگار را حرام می‌داند، وی متجاهر به فسق است. (همان)

برخی از فقهای اهل سنت نیز گفته‌اند: «فردی که به حرمت کشیدن سیگار باور دارد، در صورت اصرار بر کشیدن سیگار فاسق است. با این حال نماز خواندن پشت

فقهاء و مفسران اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت درباره استعمال دخانیات با نگرارش رساله‌های مستقل و غیر مستقل اظهار نظر کرده‌اند. برخی از فقهای اسلامی با استناد به دلایلی، بر این باورند که استعمال دخانیات برای افراد مبتدی جایز است، هر چند که بهتر آن است که از استعمال آن دوری شود [۳]. برخی از فقهاء و مفسران به طور مطلق استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند [۴]. آیت الله مکارم شیرازی درباره حرمت سیگار کشیدن گفته‌اند: «سیگار کشیدن به خاطر ضررهای فوق العاده اش که همه آگاهان به آن اعتراف کرده‌اند، حرام می‌باشد.» [۵، ۶].

برخی از فقهای اهل سنت حرمت استعمال دخانیات را هم سطح حرمت خمر دانسته و فتوا داده‌اند که استعمال کننده دخانیات باید هشتاد ضربه تازیانه بخورد [۷، ۸].

ابن عثیمین به اختلاف پیرامون حکم استعمال دخانیات اشاره نموده و گفته است: «اما در باره مسأله دخانیات باید گفت که مسأله دخانیات آسان‌تر از مسأله «دادن اختیار طلاق به زن» می‌باشد، زیرا علماء در زمان گذشته و در زمان اخیر در باره مسأله دخانیات اختلاف کرده‌اند. برخی از ایشان گفته‌اند: مباح است، و برخی از علماء گفته‌اند مکروه است و برخی از ایشان آن را حرام دانسته‌اند و برخی از آنان گفته‌اند مستحب است. برخی از ایشان گفته‌اند واجب است؛ آری اولین بار که مردم با پدیده دخانیات رو برو شدند، مانند طبیعت پدیده‌های جدید در باره آن اختلاف کردند. آنها که گفتند استفاده از دخانیات واجب است چگونه دخانیات واجب می‌شود؟ گفت: آری اگر فرض کنیم پس از این که مؤذن اذان گفت و انسان در حال استفاده از دخانیات است و یک یا دو ساعتی است که از دخانیات استفاده نکرده و الان خُمار است و امکان ندارد که او بتواند برود و نماز بخواند مگر این که یک سیگار بکشد در چنین حالتی گفته‌اند باید از دخانیات استفاده کند تا بتواند با آرامش نماز بخواند؛ در این فرض استفاده دخانیات واجب است؛ (چنان که در

برخی آیات مورد اشاره قرار داده و به دیدگاه دیگر علمای مذاهب پیرامون آیات استعمال دخانیات اشاره نکرده اند، از این رو تحقیق حاضر در پی آن است که با روش توصیفی و تحلیلی به پرسش هایی، همچون: «آیا برای استعمال دخانیات و حکم آن آیاتی مورد استناد فقهای مذاهب اسلامی قرار گرفته؟»، «آیا آیات مزبور بر حرمت استعمال دخانیات دلالت دارند؟»، «آیا استعمال کننده دخانیات فاسق می باشد؟» و مانند آنها پاسخ گوید.

۲- مفهوم شناسی

کلمه دخانیات ، جمع مؤنث سالم و به تعبیر بهتر جمع الف و تاء می باشد که از ریشه دخان به معنای دود گرفته شده و یاء مشدد پایان آن ، یاء نسبت می باشد. در اصطلاح دخانیات عبارت است از آنچه که از توتون و تنباکو به صورت سیگار و غیر آن استعمال می شود [۱۵].

۳- آیات مورد استناد درباره استعمال دخانیات

پس از شیوع استعمال دخانیات ، استعمال آن به عنوان یک مسأله مستحدثه مورد توجه دانشمندان گوناگون اسلامی قرار گرفته است ، توجه به آن آیات به عنوان آیات فقهی استعمال دخانیات -بویژه با توجه به آن که بیشتر در منابع فقهی مورد اشاره و بررسی قرار گرفته اند- حایز اهمیت است؛ می توان آن آیات را به شکل زیر مورد اشاره و بررسی قرارداد:

۱-۳- آیاتی که اذیت کردن و آزار رساندن به دیگران را نکوهش می کنند:

از جمله این آیات است، آیه « وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كُتِبَ لَهُمْ فَأَحْمَلُوا بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا. » (احزاب/۵۸) و آن کسانی که زنان و مردان مؤمن را برای عمل زشتی که مرتکب نشده اند مورد آزار قرار می دهند و درباره ی آنها شایعه پراکنی و غیبت می کنند، خود را به تحمل کیفر تهمت و گناه علنی محکوم می گردانند.

سر فرد سیگاری - بر فرضی که وی به آنچه مربوط به نماز است ملتزم باشد - صحیح است با این حال نماز خواندن پشت سر فرد غیر سیگاری بهتر است، زیرا نماز خواندن پشت سر شخص فاسق مکروه است. [۶]. شیخ خالد بن احمد از فقهای مالکی گفته: «امامت فردی که استعمال دخانیات می کند - گرچه بر آن مداومت نداشته باشد- جایز نیست، و بنابر قول بهتر نماز خواندن پشت سر چنین فردی باطل است، و شهادت چنین فردی جایز نیست... این مذهب مالکیه است.» [۱۴].

فقهای امامیه نیز سیگار کشیدن را گناه کبیره نمی دانند ، اما برخی از مراجع معاصر، همچون آیت الله مکارم شیرازی کشیدن سیگار را به این دلیل حرام دانسته اند که به تصریح کارشناسان و اهل خبره مضرات زیادی دارد ، و گفته اند که شاید ائمه جماعت سیگاری مقلد ایشان نباشند، دیگران باید مضرات سیگار را به ایشان یادآوری کنند [۱۳].

با وجود مستحدث بودن دخانیات ، قائلان به حرمت استعمال آن به آیاتی استناد نموده اند، لذا بررسی این آیات که می توان آنها را آیات فقهی استعمال دخانیات نامید، مهم است و نشان می دهد که متون فقهی از جمله منابع مهم تفسیر آیات الاحکام هستند .

پیشینه تحقیق

تحقیق مستقلی پیرامون آیات فقهی استعمال دخانیات وجود ندارد، اما برخی از دانشمندان امامیه، همچون آیت الله مکارم شیرازی و بسیاری از دانشمندان اهل سنت در آثار فقهی خود به برخی از آیات استناد نموده اند، همچنین آقایان رضا اسفندیاری و ابراهیم قاسمی در مقاله «مطالعه تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه: بررسی دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی»، چاپ شده در فصلنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، شماره اول، ۱۳۹۶ش، تنها به طور خلاصه دیدگاه آیت الله مکارم و علامه خلیلی را پیرامون

است» مخالفت کرد یا باید به آن پایبند بود؟» گفته اند: «اذیت کردن دیگران جایز نیست و سیگار کشیدن در صورتی که موجب ضرر به دیگران شود نیز جایز نیست و در ادارات دولتی یا خصوصی که سیگار کشیدن را ممنوع کرده‌اند این کار حرام است حتی اگر موجب اذیت هیچ‌کس نشود.» [۷].

۲-۳- آیاتی که پیروی از وسوسه های شیطان را نکوهش نموده اند:

از جمله این آیات ، آیه « وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. » (البقره/۱۶۸؛ البقره/۲۰۸) می باشد.

برخی از عالمان امامیه با استناد به این آیه بر این باورند که شدت علاقه افراد جاهل و فساق به استعمال دخانیات و این که در بیشتر زمان ها و مکان ها آن را همراه خود دارند و موجب افزایش فسق و فساد ایشان می شود، نشانگر آن است که استعمال دخانیات از جمله وسوسه های شیطان است، از این رو اجتناب از آن ضروری است. [۴، ۱۱]. از سویی در حدیث قدسی آمده: «از مسلک و روش دشمنان من پیروی نکنید تا همانند آنها دشمن من بشمار آید.» [۲۱].

استناد به آیه مزبور برای استفاده حرمت دخانیات خالی از اشکال نیست، زیرا استفاده جهال و فساق از آن دلیل بر آن نیست که از وسوسه شیطان است، مگر آن که از دلایل دیگر ، همچون حرمت اذیت و اضرار و... وسوسه شیطان بودن آن را نتیجه بگیریم.

۳-۳- آیاتی که از کشتن خود و دیگران نهی می کنند:

(۱) - آیه تهلکه: «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه.» (بقره/۱۹۵)

تهلکه در لغت به معنای هلاک شدن می باشد. برخی از عالمان لغت در معنای آن گفته اند: «تهلکه ، هر چیزی است که فرجام آن هلاک و نابودی می باشد» [۲۲].

در چگونگی ارتباط این آیه با استعمال دخانیات باید گفت که آیه مزبور از رساندن اذیت و آزار به مؤمنان که کاری که اذیت کردن آنها را توجیه کند انجام نداده اند، نهی می کند [۱۶]. بدیهی است که استعمال دخانیات ، بویژه در اماکن عمومی موجب اذیت و آزار دیگران است، از سویی اذیت کردن دیگران حرام است، پس استعمال دخانیات که موجب اذیت دیگران است حرام می باشد [۱۷]. استعمال دخانیات در اماکن غیر عمومی نیز آلوده کردن هوا ، اذیت و آزار دیگران را در پی دارد و از همین رو حرام است. غیبت و بهتان که آیه از آن نهی نموده ، از جمله مصادیق اذیت و آزار دیگران است، بدیهی است که سیگار کشیدن نیز از دیگر مصادیق اذیت است ، از همین رو اذیت کردن دیگران در روایات به طور کلی مورد نهی قرار گرفته است، چنان که پیامبر(ص) فرموده: « من آذی مسلماً فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله.» [۱۸]. هر که مسلمانی را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند ، خدا را اذیت کرده است.

برخی از فقهای اهل سنت ، از جمله شیخ محمد عینی از فقهای حنفی اشاره نموده اند که از جمله دلایل حرمت استعمال دخانیات آن است که دخانیات بوی بدی دارند ، بویژه در اماکن عمومی ، مانند محل های برگزاری نماز ، موجب اذیت و آزار دیگران و نیز اذیت و آزار ملائکه می شوند [۱۹، ۲۰]. بدیهی است که اذیت استعمال دخانیات به بوی بد آن محدود نمی شود، بلکه سلامتی دیگران را نیز به خطر می اندازد، چنان که آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ پرسش «آیا استعمال سیگار در صورتی که اشخاص دیگری که در آن مجلس هستند راضی نباشند و موجب اذیت آنها شود یا برای آنها زیان داشته باشد جایز است؟ در حالی که بعضی از مجامع طبّی می گویند: ضرر سیگار برای کسی که در آن فضای دودآلود است سه برابر ضرری است که برای سیگاری دارد، لذا در بسیاری از مکانهای تجاری و ادارات دولتی سیگار کشیدن را ممنوع اعلام کرده‌اند، آیا جایز است با این اعلان «سیگار کشیدن ممنوع

ناپذیرشان حرام بوده و مشمول آیه هستند. از طرفی عقل حکم می کند که دخانیات از جمله موارد زیان آور و موجب هلاکت است ، لذا استفاده آن ممنوع می باشد، چنان که شهید مطهری گفته اند: « ما در اسلام دستوری برای استعمال دخانیات نداریم... در اینجا اگر عقل و علم برای استعمال دخانیات ضررهای مهمی کشف کردند ، مثلاً اگر کشف شود و علم ثابت کند که استعمال دخانیات واقعاً ضرر و زیان دارد، اساساً عمر آدم را کم می کند، یک ضایعه ایجاد می کند- چون می دانیم ضایعه ایجاد کردن را دیگر اسلام اجازه نمی دهد- مثلاً در ریه واقعاً ضایعه ایجاد می کند، تا چه رسد به اینکه ثابت بشود که مثلاً منشأ سرطان هم هست؛ اگر این مفسده در اینجا کشف شود، مجتهد به حکم آشنایی ای که با سیستم قانون گذاری اسلام دارد و می داند هر جا که یک ضرر مهم، یک ضرر قابل توجه برای جسم وجود داشته باشد اسلام آن را اجازه نمی دهد، به حکم عقل فتوا می دهد: حرام است.» اند [۳۱].

از جمله آیاتی که برای این منظور مورد استناد قرار گرفته است ، آیه « قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ، قَدْ ضَلُّوا وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ. (انعام/۱۴۰) زیان کردند کسانی که به سفاهت بی هیچ حجتی فرزندان خود را کشتند و به خدا دروغ بستند و آنچه را به ایشان روزی داده بود حرام کردند. اینان گمراه شده اند و راه هدایت را نیافته اند.» می باشد.

با استناد به این آیه و آیات مشابه ، یعنی آیات ۱۳۷ سوره انعام، ۱۳۱ اسراء و ۱۵۱ سوره انعام ، که از کشتن دیگران، از جمله فرزندان نهی می کنند ، گفته شده افرادی که استعمال دخانیات می کنند، به طور غیر مستقیم فرزندانشان را می کشند، فرزندان افرادی که استعمال دخانیات می کنند، علاوه بر ضعیف بودن بنیه جسمی ایشان در معرض بیماری های خطرناک می باشد [۱۷].

۴-۳- آیاتی که از زیان رساندن نهی می کنند:

برخی از فقهای امامیه با استناد به اطلاق آیه مورد بحث، مصرف مواد مخدر و استعمال دخانیات را حرام دانسته اند [۲۴،۲۳،۷]. عالمان اهل سنت نیز با استناد به آیه مورد بحث حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته اند [۶، ۱۰، ۱۸، ۲۵].

در چگونگی استناد به این آیه برای تأیید حرمت استعمال دخانیات باید گفت که با توجه به مضرات زیاد استعمال دخانیات و نقش آن در ایجاد بیماری های تنفسی ، قلبی و انواع سرطان ، که موجب مرگ و میرهای زیادی می شوند، بی تردید استعمال دخانیات از جمله مصادیق انداختن خود به هلاکت می باشد.

(۲)- آیاتی که از کشتن نهی می کنند:

از جمله این آیات می توان به «و لا تقتلوا انفسکم إنّ الله کان بکم رحیماً.» (نساء/۲۹) خودتان را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما دلسوز و مهربان است.

بر اساس این آیه فردی که استعمال دخانیات می کند ، با توجه به زیان های دخانیات و نقش آنها در بیمارهای کشنده ، همچون انواع سرطان ، می توان گفت که استعمال دخانیات موجب کشتن تدریجی فرد توسط خود می شود ، لذا نهی آیه آن را شامل می شود اند [۶، ۷، ۱۰، ۱۴، ۲۶].

با بیان دیگر آیه هر نوع کار حرامی را شامل می شود، شاهد مدعا آن که در پاره ای از روایات به برخی از مصادیق آن ، همچون قمار اشاره شده است اند [۲۷]. از سویی بر اساس تصریح برخی از تفاسیر، ترک تجارت و ارتکاب گناهان و دشمنی ها مورد نهی آیه می باشند اند [۲۸، ۲۹]. همچنین برخی از فقهای امامیه با استناد به این آیه گفته اند: «جایز نیست خوردن چیزی که زیان آور است ، نظیر سم ، شیشه ، خاک ، سنگ، علت آن فرموده خداوند متعال است که فرموده لا تقتلوا انفسکم.» اند [۳۰]. بدیهی است که استعمال دخانیات به سبب زیان های انکار

برخی از فقهای اسلامی با استناد به قاعده لاضرر حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته و آن را به داشتن زیان مهم مشروط نکرده اند [۷، ۶، ۴، ۱]. و برخی نیز حرمت آن را به ضرر مهم داشتن منوط و مشروط نموده اند [۱۵]. برخی نیز گفته اند: «علت حرام بودن استعمال دخانیات زیان آن است که متوجه مسلمانان می باشد.» [۲۵].

با توجه به آنچه گذشت می توان گفت آیتی که نویسندگان قواعد فقهی برای شرعیت قاعده لاضرر مورد اشاره قرار داده اند [۷]. به نوعی می توانند برای حکم فقهی استعمال دخانیات مورد استفاده و استناد قرار گیرند، از جمله آنها عبارتند از: «لا تضارّ والدّه بولدها و لا مولود له بولدها.» (البقره/۲۳۳) ، «لا تضارّوهنّ لتضيقوا عليهنّ.» (طلاق/۶) ، «من بعد وصیة یوصی بها او دین غیر مضارّ.» (نساء/۱۶) ، «لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا.» (البقره/۲۳۱)

گرچه در آیات مزبور به مصادیق خاصی از ضرر رساندن ، همچون ضرر رساندن به پدر، فرزند، زن ، وارث و... اشاره شده است، با این حال هر نوع ضرر رساندن حرام است.

از جمله مواردی که برخی از آن برای حرمت استعمال دخانیات به دلیل ضرر و زیان نتیجه گرفته اند، آیه «اثمهما اکبر من نفعهما.» (البقره/۲۱۹) می باشد، زیرا کلمه «اثم» در آیه مزبور به معنای زیان گرفته شده است [۱۱]. آیه مزبور درباره حرمت خمر و قمار و فلسفه آن سخن می گوید، و اشاره می کند که از جمله دلایل حرمت شراب و قمار آن است که زیان آنها بیشتر از منافع آنها می باشد؛ لذا می توان از آن یک قاعده کلی را نتیجه گرفت که می گوید: «هر چه که زیانش بیش از منفعت آن باشد حرام است.» [۳۲]. در این صورت استعمال دخانیات نیز به دلیل زیان زیادشان حرام است.

با وجود آنچه در استناد به این آیه گذشت ، می توان در نقد استدلال یاد شده گفت که کلمه «اثم» در لغت به معنای زیان استعمال نشده است.

از جمله مواردی که برخی با استناد به آن استعمال دخانیات را به دلیل ضرر و زیان آن حرام دانسته اند، آیه زیر است که خداوند در آن فرموده: «إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا.» (نساء/۴۳) و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از مکان قضای حاجت بازگشته‌اید یا با زنان جماع کرده‌اید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید.» در چگونگی استناد به این آیه گفته اند که خداوند برای آن که شخص بیمار را در برابر زیان مصرف آب جهت وضو و غسل حمایت کند، تیمم را بر وی واجب فرموده ، لذا هر نوع زیان زدن به خود - که استعمال دخانیات از جمله مصادیق آن می باشد- حرام است [۲]. از سویی بر اساس تصریح برخی از فقهای امامیه ، در فرض بیمار بودن شخص و زیان داشتن آب برای وی، به مقتضای قاعده لاجرح و لاضرر وظیفه وضوی وی به تیمم تبدیل می شود [۳۳]. گرچه شأن صدور آیات و روایات مربوط به قاعده لاضرر، ضرر رساندن به دیگران است، شأن ورود مفهوم عام، قاعده را محدود نمی‌کند، و اضرار به نفس را نیز شامل می‌شود [۷]. در تأیید این مدعا می توان به جمله «علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرّمه علیهم.» [۳۴]. از امام صادق(ع) اشاره نمود که ضرر را یکی از فلسفه های حرمت برشمرده است، زیرا در آن آمده که خداوند دانست که چه چیزی برای انسان زیان دارد، لذا از آنچه مضر است نهی نموده و آن را بر مردم حرام فرموده است، از سویی با بیانی که گذشت، آیه اخیر (نساء/۴۳) ضرر زدن به خود را نکوهش فرموده است.

حر عاملی نیز در استناد به این دلیل گفته است: «قاعده لاضرر دلالت بر حرمت سیگار می کند، زیرا کسانی که مدتی سیگار می کشند و همچنین پزشکان به زیان سیگار شهادت می دهند و روشن است که زیان و ضرر بر حرمت آن دلالت دارد.» [۱۱].

۵-۳- آیاتی که به حرمت چیزهای خبیث اشاره

دارند:

کلمه «خبیث» در لغت بر هر چیز پست اطلاق شده است، راغب گفته است: «خبیث هر چیزی است که بخاطر زشتی و ناپسندی و مکروه بودنش چنین نامیده شده، خواه کراهت حسی و ظاهری داشته باشد یا کراهت معنوی و عقلی.» [۳۵]. همچنین بر فعل و کار حرام نیز اطلاق شده است [۳۶].

در اصطلاح «خبیث هر چیزی است که طبع و نفس آن را پلید بداند، مثل آن که تناول آن موجب درد گردد، اصل در زیان حرام بودن آن می باشد.» [۳۷].

با توجه به آنچه در تفسیر واژه «خبیث» گذشت، برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیه «یحرم علیهم الخبائث» (اعراف ۱۵۷) «و لا تبدلوا الخبیث بالطیب» (نساء/۲) حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته اند. [۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۶، ۴]. زیرا خداوند در آیات مزبور اشیاء را به دو نوع طیب و خبیث تقسیم فرموده است، بی تردید، دخانیات از نوع اشیاء طیب نیست، پس از اشیاء خبیث می باشد [۴۲، ۲].

در معیار خبیث بودن تردید شده است، زیرا معلوم نیست که آیا مراد از خبیث چیزی است که همه مردم آن را خبیث و پلید می دانند یا خود مکلف یا اهالی یک منطقه و کشور خاص؟ [۴۳]. با وجود تردید مورد اشاره، می توان گفت که منظور از «خبیث» هر چیزی است که طبع سالم انسان آن را خبیث دانسته و از آن متنفر شده و مشمئز می شود، در این باره بین مردم عرب و غیر عرب و ساکنان شهرها و آنها که در بیابان زندگی می کنند و نیز بین زمان توانگری و فقر تفاوتی نیست و معنای خبیث با اختلاف زمان، مکان و مردم دگرگون نمی شود؛ لذا دخانیات از مصادیق «خبیث» می باشند، زیرا در زیان آن شک و تردیدی نیست.

گرچه برخی صدق خبیث بر استعمال دخانیات را انکار کرده اند [۴۴]. با این وجود بر اساس کاربرد واژه «خبیث» در معنای حرام [۳۶]. اطلاق «خبیث» بر استعمال دخانیات صحیح است.

۶-۳- آیاتی که از اسراف نکوهش می کنند:

با توجه به زیان استعمال دخانیات، هزینه کردن مال برای تهیه دخانیات از مصادیق اسراف است، زیرا استعمال دخانیات نه تنها فاقد منفعت مباح است، بلکه زیان آور می باشد [۴۵]. از همین رو برخی از دانشمندان اسلامی با استفاده از آیاتی که اسراف را نکوهش می کنند، حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته اند [۱۴، ۱۱، ۴]. از جمله آن آیات عبارتند از: «و أن المبدّرین هم أصحاب النار.» (غافر/۴۳)، «و لا تبذّر تبذیراً إنّ المبدّرین كانوا إخوان الشیاطین.» (اسراء/۲۶ و ۲۷) در تعریف تبذیر گفته شده: «تبذیر آن است که انسان مالی را در غیر طاعت و آنچه که فاقد منفعت است هزینه کند.» [۴۵]. از سویی به موجب پاره ای از روایات مسلمان مجاز نیست که آب نیم خورده داخل لیوان خود را دور بریزد، چنان که امام صادق (ع) فرموده اند: کمترین حد اسراف دور ریختن آب باقی مانده لیوان و پوشیدن لباس بیرون منزل در منزل و دور ریختن هسته خرما می باشد [۳۴].

در تأیید صدق اسراف بر هزینه هایی که استعمال دخانیات دربر دارند باید گفت که با توجه به آمار دهه هشتاد شمسی در ایران نزدیک به ده میلیون سیگاری وجود دارد، که روزانه بیش از سه میلیارد تومان خرج سیگار می کنند، اگر این رقم را در روزهای سال ضرب کنیم حاصل آن بیش از هزار میلیارد تومان می شود. از سویی دولت ها به طور متوسط باید دو برابر مبلغی که صرف تهیه سیگار می شود، هزینه بیماری ها و عوارض ناشی از استعمال دخانیات کنند [۴۶]. سیگار علاوه بر آن که اسراف در مال و در نتیجه زیان به جامعه را موجب می شود، اسراف در جسم و سلامتی نیز محسوب می شود.

۷-۳-آیاتی که از اعانه بر اثم نهی نموده اند:

کمک برای انجام هر نوع گناهی حرام است، از این رو با توجه به حرام بودن استعمال دخانیات به تصریح بسیاری از فقهای اسلامی [۷، ۱۰، ۱۸، ۲۴، ۲۵]. برخی از فقهای اسلامی با استناد به آیه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده/۲) تشویق دیگران به استعمال دخانیات و ترویج آن را حرام دانسته اند. [۶و

۲]. مثلاً برخی گفته اند که اگر پدری به فرزند خود امر کند که برایش دخانیات بخرد، فرزند باید به دلیل روایت «لاطاعة لمخلوق فی معصیة الخالق» [۱۱]. به دستور پدرش عمل نکند [۱۰].

آیه مزبور بر حرمت استعمال دخانیات دلالت ندارد، اما می توان با استناد به آن گفت که برفرض حرام بودن استعمال دخانیات- چنانچه فقهای زیادی به آن تصریح نموده اند- هر نوع تشویق و ترویج استعمال آن، اعانه بر اثم بوده و از همین رو حرام می باشد.

۸-۳-آیاتی که ظلم به خود را نکوهش می کنند:

استعمال دخانیات به دلیل زیان هایی که برای سلامتی بدن دارند، ظلم به خود هستند، لذا بر فرض که استعمال کننده دخانیات در محل عمومی و در کنار دیگران استعمال دخانیات نکند و کار وی برای دیگران موجب اذیت و ستم ایشان نباشد، اما وی با استعمال دخانیات به خود ظلم می کند، از همین رو برخی از مفسران امامیه [۳۹]. با استناد به آیه «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رَجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (البقره/۵۹) اما ستمکاران آن سخن را دیگر کردند و بر آنان به جزای عصیانی که کرده بودند عذابی آسمانی فرود آوردیم.» حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته اند، زیرا به موجب این آیه، قوم بنی اسرائیل به خود دو ظلم کرده اند، که عبارتند از: اول- نعمت مهیا شده در دنیا و آخرت را از دست دادند. دوم- آن که محنت و عذاب هر دو سرای را خریداری نمودند؛ از سویی خداوند در این

آیه در مقام تقبیح ظلم به نفس، آن را به کفار و فساق نسبت داده است، بی آن که حکم آن را بیان فرماید؛ لذا استعمال دخانیات و هر کار دیگری که سلامتی انسان را به خطر بیندازد، به عنوان ظلم به نفس حرام می باشد.

۹-۳-آیاتی که از کار لغو و بیهوده نهی می کنند:

این نوع آیات به پرهیز از کار لغو و بیهوده سفارش کرده اند، از سویی استعمال دخانیات یک نوع کار عبث و بیهوده است، از جمله این آیات آیه «والذین هم عن اللغو معرضون.» (مؤمنون/۳) می باشد؛ حر عاملی گفته است: «کشیدن سیگار یک کار لغو و بیهوده است، هم مروت و مردانگی بر حرمت آن دلالت دارد و هم شرع به روی گردانی از امور لغو فرمان داده است. [۱۱].

استفاده از این نوع آیات برای اثبات حرمت استعمال دخانیات خالی از اشکال نیست، زیرا استدلال مزبور در صورتی درست است که لغو و بیهوده بودن استعمال دخانیات را اثبات کنیم.

۱۰-۳-آیاتی که از فساد در روی زمین نهی می کنند:

برخی از دانشمندان اسلامی با توجه به نقش استعمال دخانیات در آلودگی هوا، استعمال آن را از مصادیق فساد در زمین دانسته و با استناد به آیه «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ.» (البقره/۲۰۵) حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته اند [۴۷، ۶].

با توجه به این نوع آیات کسی که استعمال دخانیات می کند به دلیل آلوده کردن محیط، موجب فساد زمین و نابودی نسل می گردد؛ گذشته از اثر مخرب دود سیگار بر اطرافیان، ته سیگار نیز یک ماده مصنوعی و غیر قابل تجزیه و تصفیه است، از سویی همه شهرها با مشکل انداختن ته سیگار در خیابانها یا جویها مواجه هستند و این مسأله میزان نگرانی مردم را برای آب مصرفی و تصفیه

۱۲-۳- آیاتی که از اکل مال به باطل نکوهش می

کنند

چنان که خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/۲۹). هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتي باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده». و نیز فرموده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (البقره/۱۸۸) و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم، قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می دانید که این عمل حرام است.»

«باطل» به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است. [۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱]. در قرآن بیشتر در برابر واژه «حق» به کار رفته است. امام باقر (ع) در باره این آیه می فرماید: «منظور از باطل، ربا، قمار، کم فروشی و تجاوز به حقوق دیگران است.» [۱۶].

منظور از نهی آیات مزبور از باطل، نهی آنها از سبب باطل است و مواردی که شارع آنها را مباح ندانسته شامل می گردد، از جمله این موارد می توان به غصب، سرقت، خیانت و عقود فاسد اشاره نمود، مواردی که عقد نیستند، مانند قمار، اجرت زانیه و.. نیز از مصادیق آن هستند. [۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵].

برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیات مزبور گفته اند که هزینه کردن مال برای تهیه دخانیات، از جمله مصادیق اکل مال به باطل است، لذا حرام می باشد. [۱۷].

دلیل مزبور بر حرمت هزینه کردن برای تهیه دخانیات دلالت ندارد، زیرا صدق عنوان «باطل» برای چنین هزینه هایی، مشروط به اثبات حرمت استعمال دخانیات است، از این رو فقهایی که استعمال دخانیات را حرام می دانند،

شده شان افزایش می دهد، فیلتر سیگار ممکن است وارد شکم یک ماهی یا پرند شود و آنها این فیلترها را به اشتباه به عنوان غذا بخورند. لذا می توان گفت که ته سیگار قاتل خاموش زمین است، با توجه به زیان های انکارناپذیر ته سیگار، که مرکز تجمع مواد سمی سیگار است در کشورهای دیگر رها کردن فیلترهای سیگار در طبیعت جرم محسوب شده و جریمه هایی را در پی دارد، مثلاً آمریکا ۲۰۰۰ دلار، کانادا ۲۰۰ دلار و استرالیا تا ۵۰۰ دلار برای پرتاب و رها کردن ته سیگار جریمه تعیین نموده اند.

۱۱-۳- آیات مربوط به سفاهت:

برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء/۵) سفیه بودن افرادی که استعمال دخانیات می کنند و حرمت هزینه نمودن برای آن را نتیجه گرفته اند، مثلاً خلیلی از مفتیان مذهب اباضیه در کشور عمان گفته است: «اغلب مفسران این آیه را دال بر جایز نبودن تصرف سفیه در مالش دانسته اند، زیرا سفیه در مالش اسراف می کند و آن را از بین می برد، مصرف کننده دخانیات نیز حکم سفیه را دارد، زیرا اموالش را نابود می کند و می توان گفت که وی بالاتر از سفیه است، زیرا سفیه تنها اموالش را نابود می کند، اما کسی که استعمال دخانیات می کند، افزون بر نابود کردن مالش، سموم را وارد بدن خود می کند، که به وسیله آن در معرض مرگ قرار می گیرد» [۱۷].

استفاده از آیات سفاهت برای اثبات حرمت استعمال دخانیات و سفاهت افرادی که استعمال دخانیات می کنند، منطقی نیست، زیرا گرچه چنین افرادی به خود و دیگران لطمه می زنند، عرف آنها را سفیه نمی داند، از سویی بر فرض که این گونه افراد سفیه باشند، باید از هر نوع تصرف در مال خویش، حتی هزینه کردن آن در غیر دخانیات، ممنوع باشند و حال آن که ایشان از تصرفات مالی دیگر ممنوع نیستند.

۴- نتیجه گیری

از این که یک انگلیسی برای اولین بار دخانیات را وارد محدوده دولت عثمانی کرده می توان نتیجه گرفت که مذا هب فقهی اهل سنت، زودتر با پدیده استعمال دخانیات روبرو شده اند.

سیر شیوع استعمال دخانیات در دنیای اسلام نشان می دهد که مذاهب فقهی اسلامی پس از گذشت زمانی درباره حکم فقهی آن به بحث و تحقیق و گفتگو پرداختند، رساله های فقهی مستقل و متعددی که توسط فقهای مذاهب اسلامی پیرامون استعمال دخانیات نگارش یافته است، این امر را تأیید می کند.

آیات مورد استناد مذاهب فقهی اسلامی درباره دخانیات و حکم شرعی آن نشان می دهد که مذاهب فقهی اهل سنت از آیات و روایات بیشتری درباره حکم استعمال دخانیات بهره گرفته اند.

از کثرت استناد فقهای مذاهب فقهی به آیات درباره استعمال دخانیات برمی آید که توجه به این گونه استنادها ضروری و مهم هستند، زیرا اکثر قریب به اتفاق مفسران، حتی نویسندگان کتب آیات الاحکام، اشاره ناچیزی به این نوع آیات دارند و یا آن که اصلاً به این نوع آیات اشاره نکرده اند، لذا توجه به آیات مورد استناد فقهاء، از یک سو نکات تفسیری جدیدی را نشان می دهد و از سوی دیگر می توان به آیات فقهی جدیدی دست یافت و دریافت که دیدگاه مشهور درباره شمار آیات فقهی درست نیست.

تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی باشد.

هزینه کردن برای چنین کار حرامی، همچنین کسب درآمد از طریق آنها را مصداق اکل مال به باطل می دانند. اما از نگاه فقهایی که استعمال دخانیات را حرام نمی دانند، صدق عنوان «باطل» برای چنین هزینه و راههای کسب درآمد مورد تردید است، مثلاً برخی از دانشمندان اهل سنت ضمن حرام دانستن استعمال دخانیات از حرمت تجارت با آن سخن به میان آورده و گفته اند: «عالمان مسلمان در فتاوی خویش درباره حرمت استعمال دخانیات اجماع دارند و در نتیجه فروش سیگار و هر وسیله دیگر برای استعمال دخانیات، همچون تنباکو، عسل (برای تنباکوی میوه ای) و مشابه آنها همه تجارت در حرام بوده و همه درآمدهای حاصله از آن مال حرام می باشند.» [۵۶، ۵۷، ۵۸].

۱۳-۳- آیاتی که تبدیل و هدر دادن نعمت خدا

را نکوهش می کنند:

چنان که خداوند فرموده است: «وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.» (البقره/۲۱۱) و هر کس که نعمتی را که خدا به او عنایت کرده است دگرگون سازد، بداند که عقوبت او سخت است.

با توجه به این آیه، سلامتی، عقل، مال و نسل نعمت هایی هستند که خداوند به هر که بخواهد می دهد و بر هر کسی که این نعمت ها داده شد، محافظت از آن نعمت ها و هدر ندادن آنها واجب است، زیرا هدر دادن نعمت ها تبدیل نعمت است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است، از سویی استعمال دخانیات تبدیل نعمت و هدر دادن نعمت سلامتی می باشد. [۱۷]. که یکی از گوهرهای پنج گانه ای است که حمایت آن بر هر مسلمانی واجب می باشد [۴۰].

Research article

Journal of Halal Research/ 2019; 1(1): 70-83

Study of Quranic Juristic Verses about Permissibility or prohibition Smoking from the Viewpoint of Shia and Sunni

Morteza Rahimi¹ *

1- Faculty of Theology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

*Received: 14 August 2018**Acceptance: 03 October 2018*

ABSTRACT

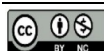
After the spread of tobacco among Muslims, Islamic scholars have discussed its ruling; some Shiite jurists, such as Sheikh Horr Amoli, Ayatollah Makarem Shirazi etc. and many other Sunni scholars, have forbidden smoking. This study, which is done by descriptive and analytical method, shows that one of the reasons for this group of scholars is the verses of the Qur'an, which have been referred to in jurisprudential and interpretive sources. Comparing Shiite and Sunni scholars' views on these verses shows that there is a difference in how to prohibit people from smoking; because some scholars consider it as a minor sin, and some others believe that it has as the same punishment as drinking wine. Hence, they differed about the justice of the person who uses tobacco and the possibility of saying prayer as an Imam. Analyzing the Qur'anic absolute verses about the prohibition of killing others and himself, wasting the blessings of God, the ugliness of lavishness, using of evil things, etc. can be used for prohibiting on tobacco use.

Keywords: Tobacco, Verses, Prohibition, Harm, Dissipation

*Correspondance to: Morteza Rahimi, mrahimi2@gmail.com, Tel: 071-36281000

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2019.87953>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

References

- [1]. Abdul Moneim M. "Dictionary of terms and jurisprudential words", Dar-al-fazileh, 1419q; 1(3). [In Arabic]
- [2]. Monjed M. S. " Bai al-sijar", 1. [In Arabic]
- [3]. Shirazi S.S. " Alef masalah fi belad al-gharb", Instute al-emamah (Beirut), 1422q; 1. [In Arabic]
- [4]. Afandi M.A. " Riazol al-ama", Institute al-tarikh al-arabi (Beirut), 4(1). [In Arabic]
- [5]. Gonabadi S.M. " Interpretation of the happiness statement", Payame Noor University Publishing Center (Tehran), 1372 h; [In Persian]
- [6]. "The Fatwa Committee of the Islamic Network", Fatwas of the Islamic Network, 1430 q; 5. [In Arabic]
- [7]. Makarem shirazi N. "Medical rulings", Imam Ali ibn Abi Talib School (Qom), 1427 q; [In Persian]
- [8]. Mohammad A. " Khotab al-sheikh al-daiah Mohammad ben abdolvahab", Moghe meshkat al-eslamiah, 1427 q; 1. [In Arabic]
- [9]. Motaghi Hendi E.A. " Kenz al-ummal", Instute of al-resalah (Beirut), 1409 q; 7. [In Arabic]
- [10]. Ibne Asimin, Mohammad ibne Saleh. "Elaleghae Shahri", Moghe shabake al-eslami, 4. [In Arabic]
- [11]. Hor-e-Ameli, M. "Al-favaed toosiye", Matba al-elmiye (Qom), 1403q; 5(1). [In Arabic]
- [12]. Zahiri H. " Dorous sheikh Hassan abol ashbal", Moghe shabake al-eslami, 6. [In Arabic]
- [13]. Makarem shirazi N. <https://www.makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=476&mid=25145/>. [In Persian]
- [14]. Hemad R.A. " Dorous sheikh Abdelah Hemad Rasi", Moghe shabake al-eslami, (67). [In Arabic]
- [15]. Shahroudi M. " The culture of jurisprudence is in accordance with the religion of the Ahl al-Bayt", Instute of Islamic jurisprudence on the religion of the Ahl al-Bayt (Qom), 1426q; 3(1). [In Persian]
- [16]. Tabarsi F. " Majmaolbayan fi tafsir Quran", Naser Khosro publisher (Tehran), 1372 h; 3(3). [In Arabic]
- [17]. Khalili A. " Al-fatavi Tbie", Jalil al-vahed (Oman), 2010 m. [In Arabic]
- [18]. Toori T. " Ruling on religion in the habit of smoking", The first regional conference on combating smoking (Kuwait), 1998 m; 1. [In Arabic]
- [19]. Albani, M. N. " Zaeif mavared zeman ela zavaed ibne Heban", Dar-al-samimi lenashr and al-tozie (Riaz),5. [In Arabic]
- [20]. Sadlan S. " Al-mokhdarat va al-aghaghair al-nafsie azraraha va salbiateha al-sayea al-alfard va al-mojtama", Bohos al-eslamie, 1411-1412q; 32. [In Arabic]
- [21]. Sadouq Ghomi ibne babevei M. " Alal al-shraye", Davari (Qom), 1386q; 2(1). [In Arabic]
- [22]. Ibne Seyedeh, Ali ibne Isma'il. "Al-makhsas", Dar-al-kotob al-elmieh, 6. [In Arabic]
- [23]. Sadr M.B. " Ghaedah al-zarar", Dar al-sadeghin va al-nashr (Qom), 1420q; 1. [In Arabic]
- [24]. " Fatawi", 2007m. [In Arabic]
- [25]. Osameh, A. M. S. "Dorous Sheikh Osameh Soleiman", Moghe shabake al-eslami, 26. [In Arabic]
- [26]. Salman A. " Al-asalah va al-ojobah al-feqhieh", Moghe maktab al-masjed Nabavi (Madineh), 4. [In Arabic]
- [27]. Ash-ari Ghomi, A. "Anavader", Emam Mahdi School (Qom), 1408q; 1. [In Arabic]

- [28]. Ravandi GH. " Feqh Quran", Library of Ayatollah Marashi (Qom), 1405 q; 2(2). [In Arabic]
- [29]. Shahabi M. " Advar feqh", Printing and Publishing Organization (Tehran), 1417q; 5. [In Persian]
- [30]. Montazeri H. " Fiqh buildings muslim government ", Instute Keihan (Qom), 1409 q; 3. [In Persian]
- [31]. Motahari M. " Majmoe Asar Shaid Motahari", Sadra (Tehran), 1377 h; 21(8). [In Persian]
- [32]. Ameli J. M. " Book layers' tragedy Zahra (A) ", Howrah (Tehran), 1382 h; 1. [In Arabic]
- [33]. Najafi M.H. " Javaher al-kalam fi sharh sharaye al-islam", House revived Arab heritage (Beirut), 5(7). [In Arabic]
- [34]. Koleini M. Y. " Al-kafi", Al-Hadith House for Printing and Publishing (Qom), 1429 q; 12 (1). [In Arabic]
- [35]. Esfahani R. Hossein ibne Mohammad. " Al-mofradat fi gharib Quran", Dar al-elm al-dar al-shamie (Beirut), 1412 q;(1). [In Arabic]
- [36]. Fayoumi A. M. M. " Mesbah al-monir", Dar al-Razi Publications (Qom), 2(1). [In Arabic]
- [37]. Fakhr-e-razdi A. A. " Mafatih al-gheib", House revived Arab heritage (Beirut), 1420 q; 15(3). [In Arabic]
- [38]. Ghahtani S. M. "Lessons for Sheikh Saeed bin Misfer", [In Arabic]
- [39]. Saghafi Tehrani M. " Psychic interpretation Javid", Borhan (Tehran), 1398 h; 1(2). [In Persian]
- [40]. Sersigh E. " Al-adelah va Al-barahin ala hormat al-tadkhin", Al-jame al-eslamie (Madineh), 1397q; 1(10). [In Arabic]
- [41]. " Majmoah men al-olama va al-doa va al-mofakkerin", Alouk site articles, [In Arabic]
- [42]. " Lessons for Sheikh Muhammad Al-Monjed", Moghe al-shabakeh al-eslamieh, 223. [In Arabic]
- [43]. Rohani Ghomi S. " Feqh al-sadegh", Dar al-ketab school of emam Sadeq, 1412q; 24(1). [In Arabic]
- [44]. Qazvini M.H. " Al-barahin al-jalilah", (Cairo), 1397 q; 5. [In Arabic]
- [45]. Heisami A. "Mavared zeman zali zavaed ibne heban", Moghe yasoub, 5. [In Arabic]
- [46]. Aliannejadi A. " Cigarettes are a deadly phenomenon of our time", Imam Ali bin Abi Talib (Qom), 1389 h; [In Persian]
- [47]. Esfandiari (Eslami) R., Ghasemi E. " Comparative study of smoking in Imami and Ibadī jurisprudence: A study of the views of Ayatollah Makarem Shirazi and Allama Ahmad ibne Hamd Khalili", Quarterly Journal of Comparative Studies of Jurisprudential Religions, 1. [In Persian]
- [48]. Toreihi F. " Majmaolbahrein", Mortazavi publisher (Tehran), 1375h; 1. [In Arabic]
- [49]. " Steftaat jadid", Imam Ali ibn Abi Talib School (Qom), 1427 q; 1(2). [In Arabic]
- [50]. " Fatawi al-jadidah", Imam Ali ibn Abi Talib School (Qom), 1427 q. [In Arabic]
- [51]. " Encyclopedia of feqh mogharen", Imam Ali ibn Abi Talib School (Qom), 1427 q. [In Arabic]
- [52]. Heli S., Meghdad ibne Abdelah. " kenz al-erfan fi feqh Quran", Mortazavi (Qom), 2(1). [In Arabic]
- [53]. " Al-ghavaed al-feqhie", Imam Ali ibn Abi Talib School (Qom), 1411 q; 1(3). [In Arabic]
- [54]. " Islam Question and Answer", 1430 q; 5. [In Arabic]
- [55]. Quran Kareem
- [56]. Rakraki M. " Al-mafsal fi feqh al-davat ela Allah tala", 1435q; 14. [In Arabic]

[57]. Ablolaziz ibne Abdelah ibne Baz. " Fatawi noor ala darb", Sheikh Mohammad ibne Saleh ibne Asimin, 1427q; 24(1). [In Arabic]

[58]. Hor-e-Ameli M. "Hedayat omah ela ahkam aemah ", Majma al-bohos al-eslamie (Mashhad), 1412q; 1. [In Arabic]